خبرها

فاطمه گودرزی با «نیما یوشیج»

فیلمبرداری پروژه سینمایی نیما یوشیج به کارگردانی نادر کجوری که از اوایل سال جدید در شهرک غزالی و یکی از شهرهای شمال کشور آغاز شده بود، بیست و سوم فروردین ماه پایان یافت و تدوین آن توسط حسین احمدی آغاز شد. این فیلم روایتگر حدیث یک جست‌وجو است. جست‌وجوی طویل و رنج‌آلود نیما یوشیج برای یافتن «افسانه»، آن معشوقه اثیری و معنوی که همواره در روان ناهوشیار شاعر، حضوری حقیقی و فعال دارد و منشاء همه عشق‌ها، شورها، شعرها و حتی مبارزات اجتماعی اوست. فیلم سینمایی نیما یوشیج ماجرای این جست‌وجو را در چند دوره از زندگی این شاعر بلندآوازه عصر حاضر به تصویر می‌کشد. این فیلم محصول گروه فرهنگ و ادب و هنر شبکه دوم سیما است و تهیه‌کنندگی آن را علی مهام برعهده دارد. عوامل تولید این پروژه سینمایی عبارتند از نویسنده و کارگردان: نادر کجوری، مدیر فیلمبرداری: بهزاد علی‌آبادیان، تدوین: حسین احمدی، موسیقی: پیروز ارجمند، مدیر تولید: عزیز علیزاده، طراح گریم: بابک شعاعی، طراح صحنه و لباس: شهرام قدیری‌فرد، صدابردار: حمیدرضا قیاسی، برنامه‌ریز و دستیار اول کارگردان: رضا ابوفاضلی، دستیار دوم کارگردان: هاشم علی‌اکبری، منشی صحنه: مهرنوش الفتی، مدیر تدارکات: علیرضا رفیعی، عکاس: حسن شجاعی، گروه فیلمبرداری: داریوش طاهری، صفر صلاح‌لو، پویا کاویانی‌فر، سینه موبیل: حمید گواه، روابط عمومی: افشین رضایی، تهیه کننده: علی مهام، محصول: گروه فرهنگ و ادب و هنر شبکه دوم سیما. بازیگران: اسماعیل محرابی، فاطمه گودرزی، محمد کاسبی، آتش تقی‌پور.

معیریان و طراحی چهره بازیگران عرب

«جلال‌الدین معیریان» طراحی چهره بازیگران مجموعه تلویزیونی امیر کویت را بر عهده گرفت. سریال تلویزیونی «اسد الجزیره» که به زندگانی شیخ مبارک صباح امیر کویت می‌پردازد در کشور سوریه تصویربرداری شده است که با کارگردانی «باسل الخطیب» از ابتدای ماه مبارک رمضان در تلویزیون کویت نمایش داده می‌شود و سریال بعدی در خصوص یک کارت‌های تقلیدی است که در ۳۰ قسمت توسط سیداحمدالدوغی کارگردانی شده است. معیریان با اعزام دو گروه کاری از زبده‌ترین طراحان چهره تیم اجرایی خود به کشورهای کویت و سوریه رسماً بر فعالیت آنها نظارت می‌کند.

بیرنگ با «باز هم زندگی»

مجموعه تلویزیونی «باز هم زندگی» به کارگردانی بیژن بیرنگ به زودی از شبکه چهار سیما پخش می‌شود. پخش تیزر مجموعه تلویزیونی «باز هم زندگی» برای پخش از شبکه چهار سیما آغاز شد. باز هم زندگی مجموعه‌ای است به کارگردانی «بیژن بیرنگ» که در ۱۸۰ قسمت به موضوع مهارت‌های زندگی و مسائلی که سبب بهبود کیفیت زندگی انسان می‌شود، می‌پردازد. این مجموعه تلویزیونی ضمن بررسی تمامی مبحث اجتماعی – اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور با حضور کارشناسان مربوط هر حوزه آن را تا رسیدن به ریشه‌های رخداد یک واقعه مورد کنکاش قرار می‌دهد.

زیر تیغ مهرماه

مدیر گروه فیلم و سریال شبکه اول سیما ابراز امیدواری کرد سریال «زیر تیغ» از مهر ماه امسال به روی آنتن برود. مهدی فرجی در گفت‌وگو با خبرنگار سرویس تلویزیون ایسنا، با اعلام این که «زیرتیغ» به روزهای پایان تصویربرداری نزدیک می‌شود، افزود: براساس پیش‌بینی‌های انجام شده، تصویربرداری این سریال تا پایان خردادماه یا حداکثر دهه اول تیر ماه به پایان می‌رسد. ضمن این که زمان این سریال از آن چه ابتدا برآورد کرده بودیم بیشتر شده و در نتیجه تصویربرداری بیشتر به طول می‌انجامد. مدیر گروه فیلم و سریال شبکه اول سیما، متن «زیر تیغ» را دارای ویژگی‌هایی خاص دانست و افزود: محمدرضا هنرمند متن نویسندگان دیگر را معمولاً برای کار نمی‌پذیرد. اما ساخت «زیر تیغ» را به دلیل جذابیت ویژه و محتوای مناسب متن پذیرفت. وی در پاسخ به پرسش ایسنا درباره جذب بازیگران حرفه‌ای به تلویزیون خاطرنشان کرد: اگر متن جذاب یک سریال توسط کارگردان حرفه‌ای سینما ساخته شود، مسلماً بازیگران سرشناس و توانا خواهان حضور در مجموعه‌های تلویزیونی خواهند بود که خود عاملی بر جذابیت بیشتر کار است. سریال «زیر تیغ» به کارگردانی محمدرضا هنرمند و تهیه‌کنندگی محمدعلی اسلامی در گروه فیلم و سریال شبکه اول سیما تولید می‌شود. در این سریال که از دی‌ماه تصویربرداری آن آغاز شده بازیگرانی چون پرویز پرستویی، فاطمه معتمدآریا و آتیلا پسیانی به ایفای نقش پرداخته‌اند. نگارش فیلم‌نامه این سریال را علی اکبر محلوجیان بر عهده داشته است و داستان آن درباره دو دوست قدیمی به نام محمود و جعفر است که محمود قصد دارد با ازدواج دخترش با پسر جعفر این دوستی را محکم‌تر کند. محمود انباردار کارخانه‌ای است که جعفر هم در آن کار می‌کند و به اتهام دستبرد به موجودی انبار کارخانه از کار معلق می‌شود اما منکر قضیه است. حسین علیزاده استاد موسیقی ایرانی، نیز موسیقی متن مجموعه تلویزیونی زیر تیغ را می‌سازد و این نخستین حضور حسین علیزاده برای تلویزیون محسوب می‌شود.

نگاهی به سریال راه شب شبکه ۳ سیما

سه قدم به جلو/ دو قدم به عقب/ مادام yes

فرشته ولی مراد

سریال تلویزیونی «راه شب» که از شبکه ۳ سیما در حال پخش است در مورد قرار گرفتن زنان در موضع تصمیم‌گیری و اجرا، بازی «مادام؟ یس» دوران کودکی را به خاطر می‌آورد. موضوع این بازی تصمیم‌گیری و دادن اجازه جهت حرکت بازیکنان و رسیدن به خط پایان که خط تصمیم‌گیری است، می‌باشد. گفتن کلمه مادام با آهنگ سئوالی به معنی اجازه خواستن برای حرکت است و شنیدن پاسخ یس، جواب مثبت برای هر حرکت بازیکن.

آنها که این بازی را کرده‌اند یادشان هست که در این بازی هر چند نفر که بودیم به ردیف جلوی یکی از دیوارهای حیاط یا اتاق می‌ایستادیم و یک نفر به عنوان رئیس که فرماندهی بازی را در دست داشت جلوی دیوار روبه‌رو می‌ایستاد. این آرایش به گونه‌ای بود که دو نیرو در مقابل هم می‌ایستاد و همه فضای موجود میان این دو قرار می‌گرفت. در یک طرف یک نفر، که فرمان حرکت‌های بازی به دست او بود و ردیف دیگر همه بازیکن‌های دیگر. پایان هر دور بازی از این قرار بود که یک نفر از این ردیف آدم‌ها که همان همه هستند خودش را به رئیس برساند و جای او را بگیرد. اما نکته این بود که این رساندن به این سادگی‌ها که در ابتدا به نظر می‌آمد نبود. کل بازی عبارت می‌شد از یک باندبازی کامل و یادگرفتن فنون آن، تن‌دادن و سکوت در مقابل بازی قدرت که دست به دست می‌شد و حفظ ظاهر به جهت عدم اعتراض بازیکنان در عین حفظ هیجان بازی.

بازی در دست یک باند بود که باید قدرت را دست به دست می‌کرد و همین خودش بازی بود، باقی آدم‌ها در بازی حضور داشتند تا بازی انجام شود. اگر بقیه آدم‌ها که عضو باند قدرت نبودند وجود نداشتند که بازی، بازی نمی‌شد. هرچه این باند بهتر می‌توانست بقیه را بازی دهد که نفهمند حرکت‌ها بر اساس باندبازی است هیجان بازی بیشتر بود. همه چیز در دست‌های پر قدرت فرمانده بود. کل بازی هم این بود که فرمانده آدم‌ها را به نوبت صدا کند و به او بگوید که چند قدم به جلو یا چند قدم به عقب برود. نفری که اسمش صدا شده بود باید با ذکر نام رئیس با عنوان مادام با آهنگ سئوالی اجازه حرکت را می‌گرفت. اگر این کار را نکرده حرکتی می‌کرد باید به خط آغاز بازی برگردد. پاسخ اجازه مثبت برای حرکت هم همان یس (yes) بود که توسط رئیس داده می‌شد. نکته جالب توجه همان است که هرکس که قرار است به جای رئیس رسیده و جای او را بگیرد دقیقاً همان کسی است که از همان اول در ذهن رئیس مشخص بوده است. جالب است که همین جا جای باج‌دهی‌ها و قرار و مدارهای نانوشته و گوش مالی دادن‌ها و خط و نشان کشیدن‌ها میان بچه‌ها و در واقع تعظیم و تحقیر آدم‌ها بود.

اصل و نفس بازی به گونه‌ای بود که ریاست که همان قدرت اجازه حرکت آدم‌های دیگر است در دست باند خاصی دست به دست شود. مراقبت خاصی هم نمی‌خواهد فقط حواسشان باشد که به هر کس تا چه حد اجازه حرکت بدهند و از طرف دیگر اگر کسی یک بار یک قدم به جلو آمد و بار دیگر هم یک قدم، و هر دوبار اجازه حرکت را هم فراموش نکرد، بار سوم حواس فرمانده باشد که او را دو قدم به عقب ببرد. بعضی از این رئیس‌ها برای این که خیلی متهم نشوند و یا هیجان بازی را حفظ کرده باشند و یا نخواسته باشند که دستشان برای بازیکن‌ها رو شود آنها را تا یک قدمی خود هم می‌آوردند و بعد یک قدم به عقب و بازی را در نزدیکی‌های خط خود به گردش درمی‌آوردند.

سریال «راه شب» یکی از همان هزاران‌هزار تولید فرهنگی، ادبی، هنری است که در همین راستا با همان فرمول بازی مادام؟ یس حرکت می‌کند. زنان یک قدم به جلو. مادام؟ یس. یک قدم به جلو. مادام؟ یس. چهار قدم به عقب. در واقع تولیدات فرهنگی، هنری، ادبی با سایر عوامل سیاسی اجتماعی، اقتصادی خانوادگی قانونگذاری و غیره دست در دست هم دارند تا خانم‌ها به مواضع تصمیم‌گیری راه پیدا نکنند و همچنان پیاده‌نظام باقی بمانند هرچند در قدم رو به جلو حرکت کنند. حرکت‌ها و چرخش‌های دیگر به کمک می‌آیند تا نتیجه همان باشد که در دستور کار است.

در این سریال نمایشی یک خانم تهیه‌کننده است که مدیریت برنامه را دارد و مرد همکار شوهر این خانم است و به همین بهانه اجازه دارد هرجا که بخواهد و هر وقت که تشخیص دهد نظر، رای، انتخاب و تصمیم‌گیری او را وتو کرده و در واقع او را از قدرت ساقط کند. جالب این است که چینش‌ها در داستان‌ها و خط کلی داستان به گونه‌ای است که هم بیننده و هم خانم تهیه‌کننده با ضعف توانایی خانم در تشخیص روبه‌رو شده و نشان می‌دهد که چه خوب است که مرد اجازه دارد بر خلاف تصمیمات تهیه‌کننده دست به عمل بزند.

در سریال «راه شب» دو شخصیت اصلی هستند که یکی تهیه‌کننده یک برنامه رادیویی است که خانم است و همسر این خانم هم کارشناس شناخته شده‌ای است که به همراه تهیه‌کننده هر دو با هم اجرای یک برنامه رادیویی به اسم «راه شب» را دارند. این برنامه به مسائل و مشکلات و درد دل‌های مردم می‌پردازد و در واقع زندگی اجتماعی با استفاده از آنتن رادیویی به هم پیوند خورده و جاری می‌شود. یعنی همان برنامه زنده که بیان و تبیین زندگی است. مردم می‌توانند در این برنامه مشکلات خود را بگویند و با کمک مجری و باقی مردم راه چاره بجویند. با یکدیگر سخن بگویند و به یکدیگر کمک کنند تا بتوانند بهتر زندگی کنند. وجه تمایز، جذابیت و برجستگی برنامه این است که نه فقط یک طرفه نیست که مجری بگوید و مردم بشنوند، حتی فقط دو طرفه هم نیست که مجری بگوید و مخاطبین هم تماس بگیرند و صدایشان پخش شود و حرف‌هایشان را بزنند، بلکه برنامه بعد دارد. به این معنی که نفر دیگر که مخاطب تلفن‌کننده به برنامه است و صدایش مستقیم پخش می‌شود، او با برنامه تماس می‌گیرد و جواب آن مخاطب را می‌دهد و یا مردم به کمک مجری می‌آیند و در صحنه حل مشکل حضور دارند.

این سریال دو شخصیت ثابت دارد که همین خانم تهیه‌کننده و آقای مجری هستند و چند شخصیت فرعی ثابت مرتبط با این دو به عنوان فرزند و همکاران. باقی آدم‌ها غیر ثابتند که در واقع شخصیت‌هایی هستند که داستان همان قسمت را به پیش می‌برند و به این شکل هر داستان یکی از معضلات اجتماعی را طرح و راه‌هایی را برای حل پیش پا می‌گذارد. شخصیت‌های ثابت و غیر ثابت این سریال با هر قسمت می‌آیند و با موضوعاتی که آورده‌اند در یاد و خاطره و فرهنگ این جامعه باقی می‌مانند. هر بار یک داستان است که بازی می‌شود و پیام و نتیجه‌ای که از آن حاصل می‌شود زیر پوست شهر می‌ماند.

تهیه‌کننده در واقع سردبیر برنامه است و نقش تصمیم‌گیری دارد، چرا که رابط میان برنامه و مدیران مسئول است. تهیه کننده است که برنامه میان او و مدیران به توافق رسیده و اوست که در نهایت به همین مدیران مسئول پاسخگوست. او رسماً موافقتنامه را امضا کرده و کلیه امکانات مالی و فنی در اختیار او گذاشته می‌شود و اوست که تیم مورد نیاز خود را برای تهیه برنامه و اجرای طرح گزینش می‌کند. در این سریال تهیه‌کننده برنامه یک خانم است، پس خانم‌ها یک قدم به جلو. مادام؟ یس و متعاقب آن در اجرا یک قدم به جلو برداشته شده است. بر همین اساس است داستان‌های این سریال نمایشی.

این سریال گاه در ارتباط با مسائل خانم‌ها با همان فرمول بازی مادام؟ یس به عمق می‌رود و مشکلات آنها را مطرح می‌کند و تلاش می‌کند تا شنونده‌ای برای این مشکلات پیدا و راه‌حلی برای آن طرح کند. گذشته از این که راه‌حل‌هایی که در چند دقیقه مطرح می‌شوند تا چه حد می‌توانند واقعی باشند. مثل آن قسمت که زن و شوهری در آسانسوری که در حال بالا رفتن است به حکم اجبار می‌مانند و باز بر اساس همین حکم اجبار مرد به حرف‌های زن گوش می‌دهد. حرف‌هایی که در یک عمر زندگی مشترک زن برای گفتن داشته و مرد شرایط شنیدن را فراهم نکرده. زن با ایثار و فداکاری و ازخودگذشتگی راه رشد مرد را فراهم کرده و مرد یکی یکی پله‌های موقعیت‌هایی را که برای او اعتبارات اجتماعی کسب کرده بالا رفته ولی در عین حال از زن و زندگی مشترکشان فاصله گرفته. فداکاری‌های زن را ندیده و او را با مشکلاتی که تعلق به هر دوی آنها داشته تنها گذاشته. این مشکلات عمیق شده و با بیماری در وجود زن جا خوش کرده‌اند. همه حرف‌ها گفته می‌شوند و با راه افتادن آسانسور بار زندگی سبک شده و بر همین اساس معلوم نیست این راه‌حلی که یک شبه حاصل می‌شود تا چه حد ماندنی و کارآمد خواهد بود.

نکته این است که هر چه باشند به هر حال مثل یک آرزو مطرح می‌شوند با این امید که بنابراین گذاشته می‌شود که قرار است راه جبران مافات را با هم پیدا کنند. قدم رو به جلو برای زنان در این برنامه این است که دست کم مشکلات از زبان یک زن طرح شدند. درد دل‌هایی که در اثر گذشت زمان روی هم انبار شده و به گونه‌ای محکم شده، رسوب کرده و جا خوش کرده‌اند که به این سادگی بیرون نخواهند رفت. هر چه هست مشکلات طرح شدند، پس خانم‌ها یک قدم و بلکه دو قدم به جلو. مادام؟ یس. و آقایان دو قدم به عقب. مادام؟ یس.

یکی از محوری‌ترین موضوعات قابل توجه در این سریال در ارتباط با قدرت تصمیم‌گیری خانم‌ها، روابط این خانم تهیه‌کننده و آقای مجری که نقش همسر او را دارد است. هر دو با هم جلو می‌آیند و با تلفن‌هایی که در ارتباط با سایر مردم شده به آنها و موضوع مطرح شده در برنامه ارتباط برقرار می‌کنند و این ارتباط به دلیل نوع ورود و اختلاف نظرهای آن دو با آن چه باید انجام بگیرد قابل توجه است. تا جایی که این زن و شوهر هر دو یک نظر را دارند موردی نیست ولی آنجا که در نگاه و آنچه باید انجام شود بینشان اختلافی هست بازی قدرت وارد می‌شود. زن تهیه‌کننده است و مدیر مسئول ولی مرد که مجری است و در واقع موظف به اجرای تصمیم‌های تهیه‌کننده به راحتی تن به این تصمیمات نمی‌دهد. او در ابتدا سعی می‌کند با منطق نظر زن (و در واقع مدیر مسئول اداری خود) را برگرداند، وقتی نتوانست می‌گوید که او براساس آن چه وظیفه خود می‌داند و در واقع بر اساس تشخیص خود عمل می‌کند.

اینجا دو نکته ظریف قابل توجه است. یکی این که چینش مسائل و مطالب به گونه‌ای است که مخاطب به خوبی و به راحتی با منطق و نظر و تشخیص مرد همراه می‌شود و آن را صحیح می‌داند. دوم این که مرد از جایگاه این که همسر زن است به خود حق وتو نظرات و تصمیمات او را می‌دهد. پس خانم‌ها دو قدم به عقب. با آن دو قدمی که جلو آمده بودند اگر فراموش نکرده و مادام؟ پس خود را به معنای گرفتن اجازه در حرکت بگیرند پیشرفتی در جایی که ایستاده‌اند ایجاد نمی‌شود. خانم‌ها همچنان به خط ابتدای حرکت برگردند. دو قدم به جلو. دو قدم به عقب.

روشن است در این چینشی بی‌دلیل نیست مردی که قرار است مجری و کارشناس برنامه باشد همسر خانم تهیه‌کننده است. در یکی از قسمت‌ها داستان از این قرار است که پسری خسته از فشار کنکور و خانواده و زندگی به بالای ساختمان چندین طبقه رفته و می‌خواهد به زندگی خود خاتمه بدهد. با برنامه تماس می‌گیرد و می‌خواهد حرف‌هایش را مستقیماً بگوید. خانم تهیه‌کننده به دلیل مسئولیتی که دارد نمی‌خواهد اجازه این کار را بدهد و آقای مجری که همسر خانم است اصرار دارد که اجازه این کار را بدهد. یک اختلاف میان آقا و خانم. بیننده که نمی‌خواهد پسر جوان خود را به پائین پرتاب کند این خواست او را راه نجاتی می‌داند. از طرف دیگر جایی که پای جان یک جوان در میان است با کلماتی مثل مسئولیت اداری و داشتن مقام پاسخگویی نمی‌تواند کاری داشته باشد، به همین دلیل خود به خود به حکم فطرت با آقای مجری همراه می‌شود. آقا با اجازه خود و بدون کسب رضایت خانم تهیه‌کننده کار خود را می‌کند و موضوع ختم به خیر می‌شود. خانم‌ها یک قدم به جلو. مادام؟ یس؟ دو قدم به عقب. مادام؟ یس.

در نگاه بیننده ایرانی که خانواده را محترم می‌داند و در خانه جایگاه خاصی برای مرد خانه قائل است آقای مجری به عنوان همسر خانم تهیه‌کننده اجازه پیدا می‌کند تا بر خلاف نظر خانم هر کاری که می‌خواهد بکند. به بیان دیگر، این جایگاه به مرد برنامه داده شده تا اجازه عمل کردن برخلاف نظر خانم به او داده شود. بیننده هم از نتیجه کار راضی است پس قاعدتاً باید به این نتیجه برسد که چه خوب است که مرد توانسته نظر خانم را اجرا نکند.

برنامه با این نوع انتخاب از زن و مرد در واقع با یک تیر چند نشان زده. اول این که یادآوری کرده دلایلی که زنان دارند در مقایسه با استدلال مردان ضعیف است پس منطقی است که مردان مجاز باشند تا نظرات خانم‌ها را نشنیده بگیرند و براساس تصمیم خود عمل کنند. تولیدکننده اثر در این مسیر، داستان را به گونه‌ای چیده که مخاطب خود نتیجه بگیرد که چه خوب است که مرد می‌تواند این گونه عمل کند، چرا که در نظر بیننده هم تصمیم درست همان است که مرد می‌گیرد، مثل همین قسمتی که جوان خود را به بالای برج رسانده و قصد خودکشی دارد. جوان فقط صحبت با مجری برنامه «راه شب» را می‌خواهد و زن که همان خانم تهیه‌کننده است اجازه این کار را نمی‌دهد. بیننده هم می‌خواهد که جوان از خودکشی منصرف شود پس می‌خواهد که تنها راهی را که جوان تقاضا کرده عملی شود. با این توجیه می‌توان این روال را تعمیم داد و به این نتیجه رسید که تصمیم مرد صحیح‌تر از تصمیم زن است. اگر چه زن خود را به وادی مدیریت کشانده باشد. بالاتر از این مطلب این که بیننده کما بیش به این نتیجه برسد که چه خوب است که مرد می‌تواند نظر زن را ندیده و نشنیده بگیرد و به نظر خود عمل کند. (چرا که در داستان پیش رو با نتیجه این عمل راضی است.) از این نتیجه بدتر این که به جامعه آموزش می‌دهد انسان‌ها لازم نیست در اجرا به رده بندی سیستماتیک اجتماعی و اداری مقید باشند و اجازه دارند براساس تشخیص شخصی آن را نادیده گرفته و بر مبنای نظر شخصی خود عمل کرده و مافوق اداری را در مقابل عمل انجام شده یا تنگنای اداری قرار دهند. (همین مشکلی که سیستم اجتماعی ما شدیداً از آن رنج می‌برد و وقتی کاری یا مسئولیتی به کسی سپرده می‌شود به طور صددرصد نمی‌توان آن را انجام شده فرض کرد.)

دوم این که جایگاه خاص مردان در خانه را تعمیم داده و به اجتماع بکشاند در حالی که این تعمیم از پایه غلط است چرا که جایگاه زنان در خانه تفاوت‌های اساسی با حضور اجتماعی‌شان دارد. به بیان دیگر نقش و جایگاه زن و مرد در خانه روابطی خاص است با تعریف و حقوق و مسئولیت‌های خاص و این روابط جدای از نقش و جایگاه زنان و مردان در جامعه است. قرار بر این است که در جامعه انسان‌ها اعم از زن و مرد و به دور از نگاه جنسیتی وارد شده و هر کدام بر اساس توانمندی‌ها و استعدادهای خود به عنوان یک انسان فعال باشند. نه فقط در یک تولید رسانه‌ای و نه فقط در روالی که تولیدات ادبی هنری در پیش دارند بلکه در سیر بسیاری از حرکت‌های اجتماعی در ارتباط با زنان که یک تولید تلویزیونی می‌تواند آینه‌ای از آنچه در جامعه می‌گذرد باشد. می‌بینیم فرمول و قانون حرکت رو به جلوی بانوان دقیقاً پیرو همان بازی مادام؟ یس است. زنان آن مقدار اجازه حرکت دارند که به مرکز قدرت و بخش تصمیم‌گیری راه پیدا نکنند. اگر هم در اثر درایت، مدیریت، تلاش، صبوری، سخت‌کوشی و فعالیت خود نزدیک به خط فرماندهی شدند از ما بهتران مراقب باشند که آنها به خط پایان که همان به دست گرفتن تصمیم و مرحله تصمیم‌گیری است وارد نشوند. در جامعه قدرت براساس محور مرد بودن دور می‌زند. از زنان هم کسی به درون باند راه داده شده و به خط تصمیم‌گیری نزدیک می‌شود که به اجبار یا دلخواه اصل را پذیرفته و وفاداری خود را در گفتار و عمل به باند مردانه ثابت کرده باشد. در غیر این صورت به راحتی کنار گذاشته می‌شده و جای او به کسی داده می‌شود که در این ارتباط مشکل‌ساز نباشد. حضور خانم‌ها که این محدوده بسته را شکسته و برای خود راه‌هایی را در اثر پایداری و شکیبایی باز کرده مبتنی بر همان حرکت دسته جمعی هماهنگ، هدفمند و عدالت‌جویانه است که با انقلاب اسلامی آمد. عامل محرکه‌ای که براساس نگرش اسلام به زن و مرد هر دو را، انسان می‌بیند و هر دو را به دلیل انسان بودن موظف، مکلف و مسئول می‌داند. زنان به دلیل عمل به وظیفه و مسئولیت، حرکت رو به جلوی خود را بدون تعهد به باندبازی در پیش دارند و سنگرها را یکی بعد از دیگری پشت سر می‌گذارند. به همین شکل هم قدرتمداران که شیرینی قدرت را چشیده و بهره و سود دنیایی انحصار طلبی را برده‌اند به عنوان نیروی مقاوم در مقابل ایستاده‌اند.

از ما بهتران همان‌ها هستند که قدرت را در دست دارند و این مهم در همه ابعاد مختلف خانوادگی و اجتماعی به‌عهده آنها است. این قدرت در همه ابعاد و همه زمینه‌ها و به هر میزان که باشد دست به کار است و هر قدم رو به جلو را کنترل می‌کند تا مبادا از دست خارج شود. بازی بازی قدرت است و این مراقبت که زنان به خط تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی نزدیک نشوند. آنان که فرمان بازی را به دست دارند به شدت مراقب همین نکته هستند و به زبان‌های مختلف اجازه نمی‌دهند تا این امر اتفاق بیفتد. فرهنگ و قانون و ریاست‌های مختلف جورواجور همه در این موضوع مراقبند. حیطه فرماندهی مراقب حیطه سیاسی است و هر دو مراقب حیطه اقتصادی و هر سه مراقب حیطه‌های فرهنگی و هر چهار مراقب قانونگذاری و همه با هم مراقب خانواده تا نکند یک وقت زنان به مرز تصمیم‌گیری وارد شوند و شاهنشاهان خانه‌ها تن به نظام جمهوری بدهند و اداره خانه از مدل شاهنشاهی به مدل جمهوری تغییر یابد.

وقتی موضوع انحصارگری قدرت تصمیم‌گیری است یک امر مورد توافق مخالفین در هر طیفی است و آن این که ثابت کنند که زنان در قدرت درک صحیح از ناصحیح ضعف دارند و آنجا که نظرشان مخالف نظر مردان است توان تشخیص صحیح را ندارند. به دلیل همین ضعف در تشخیص و تحلیل و نقص در فهم اگر تصمیم‌گیری به زنان‌ها واگذار شود به راه بی‌راهه می‌روند و همان بهتر که تصمیمات توسط مردان انجام گیرد. ورود زنان به وادی اجرا بلااشکال است به خصوص آنجا که در بخش خدمت‌رسانی و نه بخش قدرت باشد، چه‌بسا خدمت کردن کار زنان است، با شرط پذیرش و اجرای دستوراتی از بالا که همان مردان یا وابستگان مردان (در بخش داخل خانواده) هستند، می‌آید.

همه صحبت‌ها بر سر قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب است. در قسمت دیگری از این سریال که آقای مجری و خانم تهیه‌کننده توافق نظر دارند باز موضوع همین حق انتخاب است که اگر در دست یک زن باشد خرابش می‌کند و مرد قربانی این خراب‌کردن است. در این داستان جوانی که محور اصلی داستان است به همراه بینندگان می‌داند و تلاش می‌کند تا از این خرابی و خرابکاری که توسط یک مادر انجام گرفته بیرون بیاید. آنجا داستان پسری است که پدرش را در کودکی از دست داده و مادری دارد که از فرط علاقه همه کنترل زندگی پسر را در دست گرفته، باز بیننده می‌بیند اگر زن در جایگاهی قرار بگیرد که انتخاب و تصمیم‌گیری به دست او باشد کار را از حد به در کرده و اجحاف می‌کند. خانم‌ها یک قدم به جلو، سه قدم به عقب.

تصادفی نیست که داستان در مسیر دیگر پرداخت نشده. یعنی یک پدر نشان داده نشده که تصمیم‌گیری و کنترل زندگی سایر اعضای خانواده از جمله پسرش را به دست گرفته و این خرابی‌ها را به بار آورده؛ چرا که مردان این حق را به یکدیگر می‌دهند و اگر مردی این‌گونه کرده او را نه به پای میز محاکمه می‌کشانند و نه زشتی رفتار او به نمایش در می‌آید. اگر یک زن تصمیم‌گیری را به دست گرفته، به خطا رفته و آنجا که قرار است مدل اغراق‌آمیز از کسی که از به دست داشتن قدرت تصمیم‌گیری سوءاستفاده کرده و برای فرزند مشکل‌آفرین می‌شود یک زن انتخاب می‌شود و نه یک مرد. همه هم از این انتخاب راضی به نظر می‌رسند. مدیر مسئول برنامه، تهیه‌کننده، نویسنده و کارگردان و از همه حساس‌تر مخاطب. همه به این سلیقه عادت دارند. کسی هم قرار نیست با عادت‌ها کاری داشته باشد حتی اگر صحیح نباشند. پس چون مشکلی نیست مشکلی هم با ذائقه‌ای پیش نمی‌آید. در حالی که اگر به جای این مادر یک پدر را برای نشان دادن تصمیم‌گیرنده مطلق و مشکل‌آفرین نشان می‌داد هم پرداخت داستان ظرافت و دقت خاص می‌خواست و هم سر و صداهایی از گوشه‌هایی بلند می‌شد. پس چرا برای خودشان دردسر بسازند؟

می‌بینیم که باز خانم‌ها در عین حال که یک قدم به جلو، دو قدم به عقب. برای حرکت احتیاجی هم به گرفتن اجازه نیست چون هرچه جلو بیایند و هر چه درست کار کنند و حواسشان هم برای گرفتن اجازه جمع باشد باز چینش‌ها به گونه‌ای است که آنها را به خط آغاز حرکت براند. قرار نیست خانم‌ها به خط تصمیم‌گیری برسند؛ نه برای خودشان و نه برای دیگری. دایره تصمیمات آنها در همان بخش خدمات محدود است همان طور که کار کردن آنها.

خلاصه مطلب

یکی از محوری‌ترین موضوعات قابل توجه در این سریال در ارتباط با قدرت تصمیم‌گیری خانم‌ها، روابط خانم تهیه‌کننده و آقای مجری که نقش همسر او را دارد، است. هر دو با هم جلو می‌آیند و با تلفن‌هایی که در ارتباط با سایر مردم شده به آنها و موضوع مطرح شده در برنامه ارتباط برقرار می‌کنند و این ارتباط به دلیل نوع ورود و اختلاف نظرهای آن دو با آن چه باید انجام بگیرد قابل توجه است. تا جایی که این زن و شوهر هر دو یک نظر را دارند موردی نیست ولی آنجا که در نگاه و آنچه باید انجام شود بینشان اختلافی هست بازی قدرت وارد می‌شود. زن تهیه‌کننده است و مدیر مسئول ولی مرد که مجری است و در واقع موظف به اجرای تصمیم‌های تهیه‌کننده به راحتی تن به این تصمیمات نمی‌دهد.

تازه ها

سری جدید سینمایک

گروه‌های برنامه‌ساز شبکه اول سیما همزمان با فصل تابستان، برنامه‌هایی را در گروه‌های مختلف سنی، خردسالان، کودکان و نوجوانان، خانواده‌ها، جوانان و میانسالان تدارک دیده و طراحی کرده است. برنامه‌های روزانه شبکه اول سیما، با تغییرات ایجاد شده بر روی آنتن خواهد رفت. «صبح به خیر ایران»، «سیمای کودک»، «سیمای خانواده» و «سیمای نوجوان» از جمله برنامه‌های روزانه شبکه اول سیما هستند که به مناسبت فصل تابستان با آیتم‌های جدید و متنوع پخش خواهند شد. علاوه بر این برنامه‌ها، شبکه اول سیما ویژه برنامه‌های جدیدی نیز با آغاز فصل تابستان پخش خواهد کرد. مجموعه کلانتر(۲) یکی از مجموعه‌های پلیسی آخرین ساخته محسن شامحمدی، خالق آثاری همچون شلیک نهایی، فکر پلید، تصمیم نهایی و آیینه عبرت است. ایرج نوذری، علی برجی، آرام چراغی، اردلان شجاع‌کاوه، رحیم نوروزی و مرجانه گلچین در این مجموعه به‌ایفای نقش پرداخته‌اند. این سریال در ۱۵ قسمت ۵۰دقیقه‌ای به همت اصغر زائری در گروه فیلم و سریال شبکه اول سیما تهیه شده است. برنامه «ساعت به وقت جوانی» کاری از گروه اجتماعی شبکه اول سیماست که از دهم تیرماه هر روز ساعت ۱۶ در ۴۵ دقیقه به صورت زنده پخش خواهد شد. این برنامه که توسط امیرحسین خرمشاهی، تهیه و کارگردانی می‌شود از بخش‌های متنوعی همچون سفرنامه، حرفی برای شنیدن، تیک‌تاک و ساعت به وقت شما تشکیل شده است. این برنامه سعی دارد در قالب برنامه جذاب و دیدنی، شعار اصلی خود با مضمون رفیق یک قدم به جلو را برای مخاطب خود بیان کند. این برنامه توسط امیر جوشقانی اجرا خواهد شد و کامبیز زاهدپور و زهرا عاملی گزارشگران این برنامه خواهند بود. سری جدید برنامه «دخترانه»، یکی دیگر از برنامه‌های ویژه تابستان شبکه اول سیماست که از نیمه دوم تیرماه پخش خواهد شد. این برنامه توسط زهره کاظمی در گروه خانواده شبکه اول سیما تهیه می‌شود و سعی دارد در قالب آیتم‌ها و برنامه‌های متنوع، ضمن آموزش مهارت‌های دخترانه، روحیه امید و نشاط را در دختران ایجاد کند. این برنامه در قسمت‌های ۳۰ دقیقه‌ای، هر روز ساعت ۱۱ پخش خواهد شد. سری جدید برنامه «سینمایک»، یکی دیگر از برنامه‌های شبکه اول سیماست که پخش آن از تابستان امسال آغاز خواهد شد. این برنامه به همت دکتر رحیمیان در تامین برنامه شبکه اول سیما تهیه می‌شود و به نمایش فیلم‌های جذاب و روز جهان اختصاص دارد. «کمدی کلاسیک» نیز یکی دیگر از برنامه‌های تامین شبکه اول سیماست که به زودی از این شبکه پخش خواهد شد. پخش فیلم‌های مطرح کمدی سینمای جهان و معرفی کمدین‌های صاحب‌سبک تاریخ سینما، موضوع اصلی این برنامه خواهد بود.

سریال خارجی افسر پلیس در شبکه یک

مجموعه‌های «جواهری در قصر» و «افسر پلیس» دوبله می‌شوند. مجموعه‌های تلویزیونی «افسر پلیس» محصول ایتالیا به مدیریت اکبر منانی و «جواهری در قصر» محصول کره جنوبی به مدیریت زهره شکوفنده برای پخش از یکی از شبکه‌های تلویزیون مراحل دوبله را سپری می‌کنند. اکبر منانی هم اکنون مشغول دوبله سریال خارجی «افسر پلیس» از ساخته‌های رافائله مرتس است. این سریال ایتالیایی در سال ۲۰۰۲ بر اساس فیلمنامه‌ای از کلودیو کربوچی و ماریو فالکن ساخته شده است.

در سریال «افسر پلیس» گویندگانی چون مهرخ افضلی، فریبا رمضانپور، منوچهر زنده‌دل و سعید شیخ‌زاده حضور دارند. ژانر این سریال خارجی درام، کمدی و جنایی است و بازیگرانی چون مانوئل، آرکوی، اتورو باسی، پینو گاروسو، لورنزو کرسپی، مارتینا کولومباری، پائولو وایلاجیو و آندره آرون کاتو در آن به ایفای نقش پرداختند. داستان این سریال درباره زنی است که وقتی می‌بیند